

ساخت‌های هم‌پایه در جزء سی‌ام قرآن کریم

مرتضی قائمی^۱

فائزه صاعدانور^۲

چکیده

برای انتقال پیام‌های آسمانی، امکانات زبانی به زیباترین شکل ممکن در قرآن کریم به کار رفته است. یکی از ویژگی‌های سبکی جزء سی‌ام قرآن کریم، استفاده گسترده از ساخت‌های هم‌پایه است. هم‌پایگی در ساخت‌هایی رخ می‌دهد که دو یا چند واژه، گروه و یا جمله‌واره با حروف ربط هم‌پایه‌ساز به یکدیگر مربوط شوند و در یک وظیفه دستوری قرار گیرند. ساخت‌های هم‌پایه و ادات هم‌پایه‌ساز انواع مختلفی دارند و این ادات با اهداف مختلفی همچون تضاد، توالی، افزایش، نتیجه و... در جزء سی‌ام قرآن کریم پدیدار شده‌اند. این ساخت‌ها با اهداف مختلف و اشکال گوناگون، در ساخت‌های دوسازه‌ای، سه‌سازه‌ای، چهارسازه‌ای و ساخت‌های زنجیره‌ای به کار رفته‌اند. حروف ربط هم‌پایه‌ساز در این ساخت‌ها، معانی مختلفی دارند که افزایش، بیشترین سهم را در ساخت‌های هم‌پایه جزء سی‌ام قرآن کریم دارد. در جزء سی‌ام قرآن کریم هر سه نوع سازه؛ یعنی کلمه‌ای، گروهی و جمله‌واره‌ای وجود دارد که ساخت‌های جمله‌واره‌ای بیشترین و ساخت‌های گروهی کمترین سهم را در ساخت‌های هم‌پایه دارد. از آنجایی که اطلاع از سبک بیان قرآن کریم به درک بهتر آن کمک می‌کند، نویسندگان بر آنند تا ساختار جملات هم‌پایه و روابط معنایی آن‌ها با یکدیگر را در روشی توصیفی-تحلیلی مطالعه نماید. نتیجه اینکه هم‌پایگی یکی از تمهیدات زبانی استفاده‌شده در جزء سی‌ام قرآن کریم است که به علت کاربرد فراوان، می‌توان آن را یکی از ویژگی‌های سبک‌ساز در جزء سی‌ام قرآن کریم به شمار آورد.

کلید واژگان: هم‌پایگی، ساخت، جزء سی‌ام قرآن کریم.

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا همدان: Mortezaghaemi2@gmail.com

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا همدان: Saedanvar_hi@yahoo.com

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

قرآن کریم به عنوان کلام آسمانی، سبکی متمایز از دیگر متون دارد. همین موضوع محققان و پژوهشگران زیادی را به بررسی این سبک خاص مشتاق گردانیده است. یکی از ویژگی‌های متمایز و سبک‌ساز قرآن کریم به ویژه در جزء سی‌ام، استفاده فراوان از ساخت‌های هم‌پایه و جملات مرتبط است که به نوعی باهم پیوند خورده‌اند. به گونه‌ای که در نظم و آهنگ و بیان مفاهیم نمود بسیار دارد و سبب ایجاد انسجام قوی میان آیات شده است. لذا بررسی زبان‌شناسانه جملات هم‌پایه در جزء سی‌ام قرآن کریم به جهت درک بهتر مفاهیم، می‌تواند مفید باشد.

سبک‌شناسان شیوه‌های مختلفی را برای شناخت سبک یک متن برمی‌گزینند. یکی از راه‌های بررسی سبک متن شناخت و تحلیل لایه‌های مختلف آن است که این لایه‌ها عبارتند از: لایه آوایی، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه محتوایی و لایه بلاغی. «در لایه نحوی، چیدمان واژگان و نظم دستوری جمله، در چهار سطح پیوند نحو و اندیشه، کیفیت واژه چینی در جمله، سبک و ساختمان جمله‌ها و بازتاب دیدگاه نویسنده در نحو، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد» (فتوحی، ۱۳۹۲: صص ۳۰۲-۲۶۷). یکی از مواردی که در بررسی نحو و ساختمان جملات تحلیل می‌شود، هم‌پایگی است. پژوهش حاضر به دنبال بررسی ساختار ساخت‌های هم‌پایه و روابط معنایی سازه‌ها در ساخت‌های هم‌پایه جزء سی‌ام قرآن کریم بوده و بر آن است ارتباط آن‌ها و هدف از طرح این ساخت‌ها را بیان نماید. بنابراین سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از:

۱. کدام یک از انواع هم‌پایگی بیشترین کاربرد را در جزء سی‌ام دارد؟
۲. مهم‌ترین ویژگی سبکی ساخت‌های هم‌پایه در جزء سی‌ام چیست؟

۲-۱. پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون کتابی صرفاً در زمینه‌ی هم‌پایگی تدوین نگشته است، اما مقالاتی در باب هم‌پایگی و نقش زیباشناختی آن‌ها در متون مختلف نوشته شده است؛ مانند: مقاله

«ساخت‌های هم‌پایگی با نگاهی به زبان فارسی» اثر منصور شعبانی در مجله ادب‌پژوهی سال ۱۳۸۹ شماره سیزدهم. مقاله «ساخت‌های هم‌پایه و نقش زیباشناختی آن‌ها در کلیله و دمنه» اثر محمدرضا عمران‌پور، در دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی سال ۱۳۸۴ شماره پنجم. مقاله «الجمل المتوازية عند طه‌حسین» «دراسة فی احلام شهرزاد»: رجب عبدالجواد در مجله علوم اللغة سال ۲۰۰۰ شماره پنجم. مقاله «جمالیات التوازی فی تراکیب الشعرية عند أبي حمو موسی الزیانی» از سلیم بوزید در مجله المخبر سال ۲۰۱۳ شماره نهم و مقالات متعدد دیگر. همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «التوازی التركیبی فی القرآن الکریم» توسط عبدالله خلیف خضیر عبید الحیانی (۱۴۲۵هـ) در دانشگاه موصل نوشته شده است که تنها هم‌پایگی ترکیبی را در تمام قرآن مورد بررسی قرار داده است. لذا بررسی ساختار جملات هم‌پایه و انواع آن در جزء سیام قرآن کریم لازم به نظر می‌رسد.

۱-۳. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیف و تحلیل است که با رجوع به منابع علمی، اعم از کتاب، مقاله و منابع اینترنتی، مطالب جمع‌آوری و تحلیل گشته و در این پژوهش بیان گردیده است.

۲. هم‌پایگی

۲-۱. مفهوم هم‌پایگی

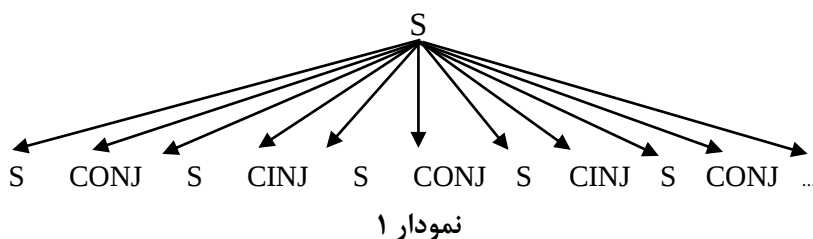
دو واحد زبانی مانند کلمه، گروه و جمله را می‌توان با حروف ربط به یکدیگر پیوند داد. این حروف ربط می‌تواند دو واحد زبانی را در یک وظیفه دستوری قرار داده و آن دو را هم‌پایه یکدیگر قرار دهد. چنین ساخت‌هایی^۱ که با ادات هم‌پایه‌ساز به یکدیگر مربوط و یکسان می‌گردند و هیچ‌کدام وابسته دیگری نیست، ساخت‌های هم‌پایه و «ادات یا وندی که ساخت‌های هم‌پایه را به هم متصل می‌کند، هم‌پایه‌ساز نامیده می‌شود» (فرزانه، ۱۳۷۱: ۱۴۹). همچنین «ساخت، هر کل متشکلی است که از ترتیب و تنظیم تعدادی اجزای

کوچک‌تر از خودش طبق قاعده درست شده باشد و بتواند کار معینی را انجام دهد. اجزای سازنده ساخت را واحد ساختاری می‌گویند و نظمی که طبق قاعده میان واحدهای ساختاری هر ساختی پدید می‌آید روابط ساختاری» (حق‌شناس، ۱۳۷۰: ۱۷۵).

تعاریف مختلفی در باب هم‌پایگی بیان شده است؛ از جمله: «هم‌پایگی شباهت موجود در دو طرف سلسله‌مراتب واژگان می‌باشد؛ به گونه‌ای که هر دو طرف جملاتی است که نقش نحوی یکسان داشته و بین آن‌ها ارتباطی به صورت تشابه یا تضاد وجود دارد» (کنونی، ۱۹۹۹ م: ۷۹). بنابراین هم‌پایگی به معنای «یکسانی در مکان» (صلیبا، ۱۹۸۲ م: ۲۳۷) است. به عبارت دیگر «در میان جملات مختلف یک متن، گروهی از جمله‌ها، با حرف ربط به یکدیگر مربوط می‌شوند. گروهی از این حروف، حروف ربط هم‌پایگی است که کلمه یا گروه یا جمله‌واره‌ای را همسان و هم‌پایه کلمه یا گروه یا جمله‌واره دیگر می‌کند. یا به عبارت دیگر دو یا چند جمله‌واره یا کلمه یا گروه را در یک وظیفه دستوری شریک می‌سازد. یعنی اگر کلمه یا گروهی فاعل باشد، هم‌پایه آن نیز فاعل و اگر مفعول باشد، هم‌پایه‌اش نیز مفعول است و غیره» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۲۷). همچنین «اگر جمله‌ای، مستقل باشد هم‌پایه آن نیز مستقل و اگر وابسته باشد هم‌پایه‌اش نیز وابسته است» (فرشیدورد، ۱۳۴۴: ۳).

بنابراین «هم‌پایگی در مجموعه عبارت‌هایی دیده می‌شود که خصوصیات زیر را داشته باشند:

- ۱- نوع سازه تکرار شده باشد.
 - ۲- سازه‌های تکرار شده به وسیله حداقل یک حرف ربط هم‌پایگی جدا شده باشد.
 - ۳- عناصر زائد به شکل اختیاری کاهش یافته باشد» (هارتمن، ۲۰۰۰: ۱).
- لازم به ذکر است، شرط تحقق هم‌پایگی، توالی است. چنان‌چه دو جمله از نظر ساختار نحوی یکسان بوده ولی متوالی نباشند، هم‌پایه نخواهند بود (جعیدی، بی‌تا: ۱). «از لحاظ زبانی، برای تعداد جمله‌هایی که به طور هم‌پایه به یکدیگر افزوده می‌گردد محدودیتی نیست» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۷۰: ۷۸). بنابراین نمودار^۲ امکان وجود جمله‌های هم‌پایه ثانوی بدین گونه است:



شایان ذکر است «گروه، دو یا چند کلمه است که معنای کاملی نداشته باشد، به صورت جمله یا جمله کوچک یا کلمه مرکب درنیامده باشد و نقش یکی از کلمات و واحدهای دستوری را در کلام بازی کند و به عبارت دیگر شکلی است از زبان که در ساختمان جمله یا جمله کوچک به کاررفته باشد و کلمات داخل آن هر یک دارای تکیه خاص خود باشد مانند کتاب هوشنگ» (فرشیدورد، ۱۳۵۵: ۲). در نهایت می‌توان گفت «هم‌پایگی عبارت است از فرایند ایجاد یک ساخت از طریق پیوستن دو یا چند سازه هم نوع به کمک یک حرف ربط» (فالک، ۱۳۷۲: ۳۰۹). فالک هم‌پایگی را فرایندی بنیادی می‌داند که به زبان ویژگی زبایی می‌بخشد (همان: ۳۱۲).

۲-۲. پیشینه مطالعات پیرامون اصطلاح هم‌پایگی

مبحث هم‌پایگی یکی از موضوعاتی است که از دیرباز، در کتب گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. قدما نیز به وجود ساخت‌های هم‌پایه اشاره و در کتاب‌های مختلف زبان و بلاغت، حالاتی از آن را با نام‌های مختلفی همچون «مماثله»، «اتساق بناء»، «مقابله»، «تناسب» و «تشطیر» و گاهی «توازی»، تعریف کرده‌اند. همچنان که قدامه ابن جعفر (ت ۳۳۷ هـ) در باب سوم کتاب «جواهر الالفاظ» (المشابهة و المحاکاة و الإتصال) اشاره کرده است: «یقال هما مثلان، و قرنان، و رسیلان، و متجانسان، و متشابهان، و متشاکهان، و متضاهیان ... و متطابقان، و متساویان، و متوازیان، و متقاومان» (بغدادی، ۱۳۵۰ هـ: ۱۳). وی کلمه متوازی را برابر با مشابه می‌داند. ابن‌رشیق قیروانی (ت ۳۹۰ هـ) نیز در کتاب «العمدة» هم‌پایگی را با نام «مقابله» تعریف کرده و نوشته است: «المقابلة: مواجهة اللفظ بما يستحقه فی الحکم، هذا حد ما اتضح عندی» (قیروانی، ۲۰۰۲: ۲۳). ابو

هلال عسکری (ت ۳۹۵ هـ) نیز در کتاب «الصناعتین: الكتابة و الشعر»، از هم‌پایگی با نام «تشطیر» یاد کرده و گفته است: «و هو أن يتوازن المصراعان و الجزآن، و تتعادل أقسامها مع قیام کل واحد منهما بنفسه، و استغنائه عن صاحبه. فمثاله من النثر قول بعضهم: من عتب على الزمان طالت معتبته، و من رضى عن الزمان طابت معيشته» (عسکری، بی‌تا: ۲۷۹). بنابراین اصل بحث در زبان عربی سابقه‌ی طولانی دارد. هرچند که در دهه‌های اخیر با ترجمه آثار غربی به غنای آن افزوده شده است.

۲-۳. هم‌پایگی در جزء سی‌ام قرآن کریم

۲-۳-۱. هم‌پایگی آشکار و ناآشکار

هم‌پایگی را می‌توان به دو دسته هم‌پایگی ناآشکار (asyndetic) و آشکار (syndetic) تقسیم کرد. «در هم‌پایگی ناآشکار، حرف ربط هم‌پایگی آشکاری وجود ندارد در صورتی که در هم‌پایگی آشکار حرف ربط هم‌پایگی به عنوان ابزاری آشکار برای پیوند هم‌پایه‌ها به کار می‌رود» (شعبانی، ۱۳۸۹: ۲). در هم‌پایگی ناآشکار پس از شناخت نقش دستوری جملات، «آهنگ» (intonation) تنها ابزار نمایانگر ساخت هم‌پایگی است» (همان: ۳). «در جملات هم‌پایه شده از طریق آهنگ، حدّ فاصل بین جملات از طریق مکث برقرار می‌گردد که در نوشتار با علامت ویرگول (,) مشخص می‌شود. در این نوع جملات مرکب، آهنگ ادای جملات ساده در جمله اول به صورت خیزان و در جمله بعدی با صدای افتان ادا می‌شود و تغییر آهنگ در نقطه مکث انجام می‌پذیرد. آهنگ جمله اول با صدای معمولی آغاز می‌شود و تا ویرگول اوج می‌گیرد و بعد از ویرگول با شروع جمله دوم به تدریج پایین می‌آید» (خوش‌باطن، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

در جزء سی‌ام قرآن کریم، هم ساخت‌های هم‌پایه آشکار و هم ناآشکار دیده می‌شود، اما ساخت‌های هم‌پایه ناآشکار سهم بسیار اندکی را در مقابل ساخت‌های هم‌پایه آشکار دارد و از طریق معنا و آهنگ آن می‌توان هم‌پایه بودن آن‌ها را تشخیص داد. در این جزء از قرآن کریم، بیش از ۱۵ ساخت هم‌پایه، دارای هم‌پایگی ناآشکار و بیش از ۱۴۵

ساخت هم‌پایه دارای هم‌پایگی آشکار است. ساخت زیر نمونه‌ای از ساخت‌های هم‌پایه‌ی آشکار در جزء سی‌ام قرآن کریم است:

«وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ * وَطُورِ سِينِينَ * وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (تین: ۱-۳)

در این ساخت هم‌پایه‌ی چهارسازه‌ای، خداوند به چهار چیز بالارزش قسم یاد کرده که انسان را به بهترین شکل آفریده است. در این ساخت، سازه‌ها با حرف ربط هم‌پایه‌ساز به یکدیگر متصل شده‌اند.

ساخت‌های زیر نمونه‌ای از ساخت‌های هم‌پایه‌ی ناآشکار است:

«وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً * تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ * لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ * لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ * وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ * لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ * فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ * لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَافِيَةٌ» (غاشية: ۱۱-۲)

در این ساخت هم‌پایه ناآشکار، در سازه اول، همه خبرهای مبتدا (وَجُودٌ) بدون حرف ربط هم‌پایگی به یکدیگر مربوط گشته‌اند. کلمات «خَاشِعَةٌ، عَامِلَةٌ، نَاصِبَةٌ» هر سه صفت برای مبتدا است و جملات بعدی خبرهای آن (صافی، ۱۴۱۸ هـ ج ۳۰: ۳۱۲) و یا بنابر قول بعضی دیگر مانند ابن‌عاشور این سه کلمه خبرهای اول، دوم و سوم مبتدا بوده و سه جمله بعدی می‌تواند حال واقع گردد و یا خبرهای چهارم، پنجم و ششم (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ۲۶۳-۲۶۲). در سازه دوم نیز همان ساختمان نحوی رعایت شده است؛ بنابراین ساختمان نحوی سازه‌ها به‌صورت زیر است:

«وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ، عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ، تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً، تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ، لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ، لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ * + وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ، لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ، فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ، لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَافِيَةٌ»

وَجُودٌ (مبتدا) + يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (خبر ۱) * عَامِلَةٌ (خبر ۲) * نَاصِبَةٌ (خبر ۳) * تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً (خبر ۴) * تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ (خبر ۵) * لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ * (خبر ۶)

+ (سازه دوم)

وُجُوهٌ (مبتدا) + يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ (خبر ۱) * لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (خبر ۲) * فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (خبر ۳) * لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً * (خبر ۴)

در این ساخت هم‌پایگی ناآشکار، هر دوسازه خود ساختمانند هستند؛ بدین معنا که در هر یک از سازه‌ها شاهد یک ساخت هم‌پایگی دیگر نیز هستیم و در درون هر دو ساخت نیز هم‌پایگی به صورت ناآشکار است. در این آیات خداوند دورنمایی از عذاب‌های جهنمی و نعمت‌های بهشتی را نمایان ساخته است و هر دو را در کنار یکدیگر بیان داشته است «تا قهر را با مهر پیامیزد و انذار را با بشارت همراه سازد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۴۲۰) و اگر هم‌پایگی را به صورت ناآشکار بیان داشته و هر دو ساخت را بدون حرف ربط هم‌پایه‌ساز به یکدیگر متصل کرده است «برای این بوده که به کمال بینونت و اختلاف بین حال دو فریق اشاره کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۴۵۸). این ویژگی‌ها به صورت مقابله در هر دوسازه بیان گردیده است:

*وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * ≠ *وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ*

یعنی چهره‌هایی در آن روز از شدت اندوه و عذاب ذلیل و شرمسار است و این شرمساری بر آن چهره‌ها فراگیر می‌شود و «خشوع» حالت و وصف انسان‌ها است ولی در این آیه به وجوه آنان نسبت داده و این بدان جهت است که چهره بیشتر از هر عضو دیگری حالت خشوع درونی را می‌نمایاند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۴۵۶) و چهره‌هایی در آن روز به دلیل غرق شدن در نعمات بهشتی شاداب و تازه‌اند.

*عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ * ≠ *لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ*

«عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ» حال جهنمیان را نشان می‌دهد که «تلاش و کوشش زیادی در زندگی دنیا به خرج می‌دهند ولی هیچ فایده‌ای جز خستگی در حقیقت نصیبشان نمی‌شود، نه عمل مقبولی در درگاه خدا دارند، و نه چیزی از آن همه ثروت‌هایی که اندوخته‌اند می‌توانند با خود ببرند و نه نام نیکی از خود به یادگار می‌گذارند و نه فرزند صالحی. آن‌ها زحمت‌کشان خسته و بینوا» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۴۱۵) و در مقابل «لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ» حال بهشتیان را بیان می‌دارد که از تلاش خود در دنیا که

همه‌اش برای رضای خداوند بوده است، راضی‌اند و نتیجه آن را در بهشت جاویدان مشاهده می‌نمایند.

تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً، تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آيَةٍ، لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ، لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ≠ *فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ، لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَافٍ*^{۲۶۵}

در این دوسازه عاقبت انسان‌های خطاکار و درستکار نشان داده شده است. خطاکاران به جهنم درآیند و در آنجا عذاب شوند که یکی از این عذاب‌ها خوردن ضریع است و درست‌کاران به بهشتی درآیند که انواع نعمات در آنجا موجود است و یکی از ویژگی‌های آن نبود سخن بیهوده در آنجاست. بدین وسیله خداوند سازه دوم را «به عنوان استطراد و متمیم بیان داشته است و روش ترهیب و ترغیب را در پیش گرفته است» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ۲۶۵).

در درون ساخت هم‌پایگی سازه اول، سازه‌های ابتدایی از نوع خبر مفرد بوده و دوسازه پایانی از نوع خبر جمله است:

خَاشِعَةً غَامِلَةً نَاصِبَةً (خبر مفرد) + *تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آيَةٍ* (خبر جمله)

و در درون ساخت هم‌پایگی سازه دوم، سازه ابتدایی از نوع خبر مفرد بوده و دو سازه دیگر از نوع خبر جمله و شبه جمله است:

نَاعِمَةً (خبر مفرد) *لِسَعْيِهَا رَاضِيَةً* (خبر جمله) *فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ* (خبر شبه‌جمله)

در سازه اول ویژگی‌های بیشتری در خبر مفرد ذکر شده است و به نظر می‌رسد به دلیل تأکید بیشتر بر انواع عذاب‌ها در روز قیامت است. درحالی‌که در سازه دوم تنها یک خبر مفرد به معنای نعمت (نَاعِمَةً) بیان شده است و شاید آن بدان معناست که هر نعمتی که تصور شود در بهشت موجود است.

اکثر قریب به اتفاق ساخت‌های هم‌پایه‌ی ناآشکار در جزء سی‌ام، به صورت سازه‌های پی‌درپی است و بیان سازه‌ها بدون حروف ربط، نوعی تأکید و ترادف معنایی را در بین سازه‌ها ایجاد کرده است.

۲-۳-۲. ساختار ساخت‌های هم‌پایه

چنان چه سازه‌ای از یک کلمه تشکیل شده باشد، سازه کلمه‌ای و اگر از گروه تشکیل شده باشد، سازه گروهی نامیده می‌شود. همچنین اگر سازه‌ها از جمله‌های اسمیه و فعلیه تشکیل شده باشند، سازه جمله‌واره‌ای نامیده می‌شوند. در جزء سی‌ام قرآن کریم هر سه نوع سازه؛ یعنی کلمه‌ای، گروهی و جمله‌واره‌ای وجود دارد. در این جزء از قرآن کریم حدود ۱۰۰ ساخت هم‌پایه از نوع ساخت‌های جمله‌واره‌ای، حدود ۴۰ ساخت هم‌پایه از نوع ساخت‌های کلمه‌ای و حدود ۲۰ ساخت هم‌پایه از نوع ساخت‌های گروهی وجود دارد. نمونه‌هایی از انواع مختلف ساخت‌های هم‌پایه در جزء سی‌ام قرآن کریم:

۲-۳-۲-۱. سازه‌ی کلمه‌ای

إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (قریش: ۲) در این ساخت دو مضاف‌الیه هم‌پایه یکدیگر شده‌اند.

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا وَ غَسَّاقًا* (نبا: ۲۴-۲۵) در این دو ساخت، دوسازه مفعول هم‌پایه یکدیگر شده‌اند.

فَمَالَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (طارق: ۱۰) در این دو ساخت دو مجرور به حرف جر و محلاً مرفوع بنا بر نقش مبتدای مؤخر بودن، هم‌پایه یکدیگر شده‌اند.

۲-۳-۲-۲. سازه گروهی

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (شمس: ۱۳) در این ساخت نیز دو گروه مفعول و مضاف‌الیه هم‌پایه یکدیگر شده‌اند.

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (نازعات: ۳۳) در این دو ساخت دو جار و مجرور هم‌پایه یکدیگر شده‌اند.

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ *مَلِكِ النَّاسِ* *إِلَهِ النَّاسِ* (ناس: ۱-۳) در این دو ساخت سه مضاف و مضاف‌الیه هم‌پایه یکدیگر شده‌اند.

۲-۳-۲. سازه‌ی جمله‌واره‌ی

فَصَلَ لِلرَّبِّ وَأَنخَرُ (کوثر: ۲) در این ساخت دو فعل و فاعل (مستتر أنت) هم‌پایه شده‌اند.

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (قریش: ۴) در این ساخت دو جمله (فعل و فاعل + مفعول + جار و مجرور) هم‌پایه شده‌اند.

إِنَّهُ هُوَ يُبْدِيْ وَيُعِيْدُ (بروج: ۱۳) در این ساخت دو جمله (فاعل + فاعل مستتر هو) هم‌پایه شده‌اند.

از آنجا که بیشترین مفاهیم بیان‌شده در جزء سی‌ام قرآن کریم در بیان تقابل دنیا و آخرت است و سرنوشت انسان‌های خطاکار و درست‌کار را نشان می‌دهد، بیشترین مفاهیم بیان‌شده در ساخت‌های هم‌پایه نیز مباحث یادشده بوده و ساخت‌های جمله‌واره‌ی بیش از دیگر ساخت‌ها، در بیان این مفاهیم به‌کاربرده شده است و با طرح جملات هم‌پایه‌ی پی‌درپی، سبب انداز انسان‌ها، تأکید بیشتر بر موضوع و تبیین هرچه بیشتر معنا گشته است.

۲-۳-۳. ساخت‌های هم‌پایه بر اساس تعداد حروف ربط

اگر ساخت‌های هم‌پایه از دوسازه تشکیل شده باشد و دارای یک حرف ربط هم‌پایگی باشد، ساخت دوسازه‌ی و چنانچه بیشتر از دوسازه باشد، سه‌سازه‌ی، چهارسازه‌ی و ساخت‌های دارای سازه بسیار را ساخت هم‌پایه زنجیره‌ای می‌نامند. بنابراین «سازه‌های یک ساخت خود ممکن است ساختمان باشند. به دیگر سخن، می‌توان گفت که ساخت می‌تواند از سلسله مراتب سازه‌ای برخوردار باشد» (غلامعلی‌زاده، ۱۳۷۷: ۷).

در جزء سی‌ام قرآن کریم انواع ساخت‌های هم‌پایه وجود دارد. ساخت‌های تک حرف ربطی نزدیک به ۱۱۰ مورد استفاده شده و بیشترین سهم را دارد. پس از آن به ترتیب ساخت‌های دو حرف ربطی نزدیک به ۲۵ مورد، هم‌پایگی زنجیره‌ای نیز در حدود ۲۰ مورد و سه حرف ربطی نزدیک به ۱۵ مورد به کار رفته است.

نمونه‌هایی از ساخت‌های هم‌پایه دوسازه‌ی، سه‌سازه‌ی، چهارسازه‌ی و ساخت‌های

هم‌پایه زنجیره‌ای در جزء سی‌ام قرآن کریم:

۲-۳-۳-۱. ساخت‌های دوسازه‌ای (تک حرف ربطی)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا كِذَابًا (نبأ: ۳۵)

در این ساخت هم‌پایه هر دوسازه (مفعول) با یک حرف ربط هم‌پایگی به یکدیگر مربوط شده‌اند و یک ساخت هم‌پایه واژگانی دوسازه‌ای را تشکیل داده‌اند.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (انشقاق: ۲۵)
آمَنُوا + عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

در این ساخت هم‌پایه، هر دو صله موصول (الَّذِينَ) با یک حرف ربط هم‌پایگی به یکدیگر مربوط گشته و یک ساخت دوسازه‌ای را به وجود آورده‌اند.

چنان که بیان شد در این ساخت‌های هم‌پایه، سازه‌ها تنها با یک حرف ربط هم‌پایگی به یکدیگر مربوط شده و ساخت‌های دوسازه‌ای را ایجاد نموده‌اند. بیشترین سهم در ساخت‌های هم‌پایه جزء سی‌ام قرآن کریم به همین ساخت اختصاص یافته است.

۲-۳-۳-۲. ساخت‌های سه‌سازه‌ای (دو حرف ربطی)

لَنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا وَ جَنَّاتٍ أَلْفَافًا* (نبأ: ۱۶-۱۵)

در این ساخت هم‌پایه هر سه مفعول با دو حرف ربط به یکدیگر مربوط گشته‌اند و ساخت هم‌پایه سه‌سازه‌ای را ایجاد نموده‌اند.

أَلَمْ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَآوَى وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى* وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى* (ضحی: ۸-۶)
در این ساخت هم‌پایه هر سه فعل با دو حرف ربط به یکدیگر مربوط شده و ساخت هم‌پایه سه‌سازه‌ای را به وجود آورده‌اند.

همان‌طور که گفته شد در این ساخت‌های هم‌پایه، هر سه‌سازه با دو حرف ربط هم‌پایگی به یکدیگر مربوط شده‌اند و ساخت‌های هم‌پایه سه‌سازه‌ای (دو حرف ربطی) را تشکیل داده‌اند؛ که بعد از ساخت‌های هم‌پایه سه‌سازه‌ای بیشترین سهم را در ساخت‌های هم‌پایه جزء سی‌ام قرآن کریم دارا می‌باشد.

۲-۳-۳. ساخت‌های چهارسازه‌ای (سه حرف ربطی)

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَ إِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ* وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ* وَ إِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ* (انفطار: ۴-۱) در این ساخت هم‌پایه هر چهار جمله شرط با سه حرف ربط هم‌پایگی به یکدیگر مربوط شده و ساخت هم‌پایه ترکیبی چهارسازه‌ای را تشکیل داده‌اند.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (عصر: ۳) در این ساخت هم‌پایه نیز هر چهار صله موصول (الذین) با سه حرف ربط هم‌پایگی به یکدیگر مربوط شده و ساخت هم‌پایه چهارسازه‌ای را ایجاد نموده‌اند. بنابراین در ساخت‌های هم‌پایه‌ی مذکور، هر چهارسازه با سه حرف ربط هم‌پایگی به یکدیگر مربوط شده‌اند و ساخت‌های هم‌پایه‌ی چهارسازه‌ای (سه حرف ربطی) را تشکیل داده‌اند.

۲-۳-۴. ساخت‌های زنجیره‌ای

یکی از ویژگی‌های بارز سبکی جزء سی‌ام قرآن کریم، قسم ابتدای سوره‌ها است که آن را در ساخت‌های هم‌پایه‌ی بسیاری به صورت زنجیره‌وار مشاهده می‌نماییم. ۱۱ سوره از سوره‌های جزء سی‌ام قرآن کریم با قسم آغاز شده که سه سوره از آن‌ها با جملات قسمی زنجیره‌وار بیان شده‌اند. به عنوان مثال سوره‌های نازعات و فجر هر کدام با ۵ سازه و سوره‌ی مبارکه‌ی شمس با ۷ سازه، ساخت‌های هم‌پایه‌ی قسمی پی‌درپی را ایجاد کرده‌اند:

وَ النَّازِعَاتِ غَرْقًا* وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا* وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا* فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا* فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا* (نازعات: ۵-۱)

در این ساخت هم‌پایه، شاهد تکرار جملات کوتاه زنجیره‌ای هستیم. سازه‌ی اول، جمله‌ی ابتدائیه است و محلی از اعراب ندارد. سازه‌های بعدی نیز معطوف به آن شده و محلی از اعراب ندارند. لذا ساختمان نحوی ساختار هم‌پایگی متشکل از جملاتی است که اعرابی ندارند. در چهارسازه‌ی اول پس از اسم مقسوم‌علیه مفعول مطلق ذکر گردیده که سبب تأکید هر چه بیشتر عمل مقسوم‌علیه شده است، اما در سازه پایانی مفعول به برای «مدبرات» وجود دارد. بنا بر این ساختار همه سازه‌ها متماثل نیست و هم‌پایگی با

سازه پایانی به صورت غیر ترکیبی خواهد بود. همچنین در سازه‌های اول و آخر مفعول مطلق و مفعول به، با مقسوم‌علیه هم‌ریشه نیست اما در سه سازه میانی مفعول مطلق با مقسوم‌علیه هم‌ریشه و از یک لفظ است. در این ساخت هم‌پایه از حروف ربط هم‌پایه ساز «و» و «ف» استفاده شده است که هر دو معنای افزایش را داراست و سوگندهای مختلف را به ترتیب بیان می‌کنند.

از دیگر ویژگی‌های شاخص جزء سی‌ام قرآن کریم، آغاز سوره به وسیله‌ی ساخت‌های هم‌پایه‌ای است که با کلمه «إِذَا» آغاز شده‌اند. در میان سوره‌های جزء سی‌ام قرآن کریم ۵ سوره (تکویر، انفطار، انشقاق، زلزله و نصر) با «إِذَا» آغاز شده است که در این میان تنها آیات ابتدائی سوره تکویر به صورت زنجیره‌وار هم‌پایه شده‌اند:

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ* وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ* وَ إِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ* وَ إِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ*
وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ* وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ* وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ* وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ* بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ* وَ إِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ* وَ إِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ* وَ إِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ* وَ إِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ* (تکویر: ۱-۱۳).

«در آغاز این سوره به اشارات کوتاه و هیجان‌انگیز و تکان‌دهنده‌ای از حوادث هولناک پایان این جهان، و آغاز رستاخیز برخورد می‌کنیم که انسان را در عوالم عجیبی سیر می‌دهد و مجموعاً هشت نشانه از این نشانه‌ها را بازگو می‌کند» (مکارم شیرازی: ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۱۷۰). در این ساخت‌های هم‌پایه که به صورت جمله‌های کوتاه شرطی و زنجیره‌ای بیان گردیده است، شاهد صنعت تکرار در کلمه «إِذَا» هستیم. در این ساخت زنجیره‌ای، همه سازه‌ها ساختمان نحوی یکسانی داشته و تنها یک سازه (وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ* بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ*) نقش نحوی غیرمتماثل دارد. تکرار کلمه «إِذَا» بعد از «وَ» عطف در این جملات معطوف به هم نوعی إطناب بوده و «هدف از این إطناب تهویل است» (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ۱۲۴). در تمامی این سازه‌ها مسند إلیه بر مسند مقدم شده که خود تأکیدی بر مضمون جملات است. همچنین در تمامی سازه‌ها از فعل ماضی استفاده شده که در این آیات معنای استقبال دارد، «تا تأکید و تنبیهی بر تحقق وقوع افعال شرط باشد» (همان: ۱۲۵) و مجهول بودن همه افعال نیز دلیل بسیار روشن و تأکید واضحی بر

وجود یک فاعل حقیقی و مسبب همه افعال دارد.

یکی دیگر از جملات هم‌پایه زنجیره‌ای بیان شده در جزء سی‌ام قرآن کریم، موضوع نحوه‌ی آفرینش زمین و وصف نعماتی است که خداوند به انسان داده است:

وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا* وَ خَلَقْنَاكُمْ أَرْوَاجًا* وَ جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا* وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا* وَ جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا* وَ بَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا* وَ جَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا* وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا* (نبأ: ۶-۱۴)

در این ساخت هم‌پایه زنجیره‌ای سازه اول (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا) یک جمله استینافیه است که محلی از اعراب ندارد و خود سازه در درون خود یک ساخت هم‌پایه‌ی دوسازه‌ای دارد. (الأَرْضَ مِهْدًا + أدوات هم‌پایه‌ساز + وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا). سازه‌های دوم تا هشتم معطوف بر سازه اول است و محلی از اعراب ندارند. لذا ساختمان نحوی ساختار هم‌پایگی در این آیات به صورت هم‌پایگی ۸ جمله بدون اعراب است. در میان ۵ سازه ابتدایی از لحاظ ساختار جمله، تماثل کامل برقرار بوده، لذا میان آن‌ها هم‌پایگی ترکیبی تام وجود دارد:

فعل + فاعل + مفعول (۱) + مفعول (۲)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا* وَ خَلَقْنَاكُمْ أَرْوَاجًا* وَ جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا* وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا* وَ جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا*

اما ساختمان نحوی سه‌سازه پایانی متفاوت بوده و فقط در عطف بر جمله استینافیه هم‌پایه‌اند. در این سازه‌ها از صنعت تکرار نیز در فعل «جَعَلْنَا» استفاده شده و بر حتمیت تحقق فعل و یادآوری انجام آن توسط خداوند تأکید شده است.

در تمامی این ساخت‌های هم‌پایه زنجیره‌ای، سازه‌ها به صورت پشت سر هم و با حروف ربط هم‌پایه‌ساز به یکدیگر مربوط گشته‌اند و علاوه بر تأکید هر چه بیشتر معنا، آهنگ دل‌نشینی را نیز ایجاد کرده‌اند که در تثبیت هر چه بیشتر آیات در ذهن مخاطب بسیار اثرگذار خواهد بود.

۲-۳-۴. روابط معنایی سازه‌ها

«جمله‌های مرکب هم‌پایگی و جمله‌واره‌های هم‌پایه معمولاً با حروف ربط و گروه‌های ربطی هم‌پایگی به وجود می‌آیند که عبارت‌اند از حرف‌های ربط و گروه‌های ربطی: ۱- افزایش ۲- تضاد ۳- تصحیح (اضراب) ۴- نتیجه ۵- توالی ۶- تناوب (تخیر یا اباحه) ۷- یکسانی (تسویه) ۸- نفی و مانند آن‌ها» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۳۲). آدات عطف هم‌پایه‌ساز در زبان عربی شامل آدات بسیاری است، همچون: آدات هم‌پایه‌ساز «و»، «فاء»، «ثم»، «أو»، «أم»، «لکن»، «لا»، «بل» و «حتی». لازم به ذکر است «همه حروف عطف از پیوندهای هم‌پایگی به شمار می‌روند اما همه پیوندهای هم‌پایگی حروف عطف نیستند» (همان: ۵۲۷). همچنین هرکدام از این حروف معنای خاصی را دربردارد. حرف «و» برای جمع، «فاء» برای ترتیب با تعقیب، «ثم» برای ترتیب با تراخی، «أو» برای انتخاب یک مورد از دو موضوع، «أم» برای معادله، «لکن» برای استدراک، «لا» برای نفی، «بل» برای اضراب و تصحیح و «حتی» برای نتیجه و غایت است.

آدات هم‌پایه‌ساز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. آدات هم‌پایه‌ساز ساده. مانند: و، یا، ف ثم، لکن، بل و ...
۲. آدات هم‌پایه‌ساز گروهی. مانند: «هم...هم»، «نه...نه»، «خواه...خواه»، «گاهی ... گاهی»، «...أم...» و «یا...یا».

در جزء سی‌ام قرآن کریم از حروف ربط هم‌پایه‌ساز مختلفی مانند: «و»، «ثم»، «أم»، «ف» و «أو» استفاده شده است که در این میان، حرف «و» بیشترین سهم را دارد و در نزدیک به ۲۱۰ مورد تکرار شده است و پس‌از آن حرف ربط «ف» در ۳۷ ساخت، حرف ربط «ثم» در ۱۴ ساخت، حرف ربط «أو» در ۴ ساخت و حرف ربط «أم» در ۱ ساخت به کار رفته است. تمامی این حروف ربط، معانی مشخص خود را دارند و به‌وسیله آن‌ها می‌توان معانی آیات را درک کرد. معنایی مانند: تناوب، تضاد، نفی، یکسانی، افزایش و... مفاهیمی که در این جزء از قرآن کریم بیان گردیده، به شرح زیر است: تناوب: حدود ۵ ساخت هم‌پایه، نفی: حدود ۱۰ ساخت هم‌پایه، تضاد: حدود ۱۰ ساخت هم‌پایه، مسبب: حدود ۲۰ ساخت هم‌پایه، یکسانی: حدود ۲۵ ساخت هم‌پایه، توالی:

حدود ۴۰ ساخت هم‌پایه، افزایش: حدود ۱۲۵ ساخت هم‌پایه، تأکید: حدود ۵ ساخت هم‌پایه. ذیلاً نمونه‌هایی از مفاهیم مختلف حروف ربط هم‌پایگی در جزء سی‌ام قرآن کریم را بیان می‌کنیم:

۲-۳-۴-۱. توالی

یکی از معانی حروف ربط هم‌پایه‌ساز، توالی است، به معنای: «پس»، «سپس»، «آنگاه». بدین معنا که سازه دوم به دنبال سازه اول رخ داده و پس از آن انجام پذیرفته است. در حدود ۴۰ ساخت هم‌پایه از ساخت‌های هم‌پایه جزء سی‌ام قرآن کریم، در بین سازه‌ها ارتباط توالی برقرار است:

رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا (نازعات: ۲۸) در این آیه بیان گردیده است که خداوند پس از برافراشتن آسمان، آن را نیکو گردانیده است. بنابراین حرف ربط «ف» در این آیه معنای توالی را در بر دارد.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ* (تین: ۴-۵) در این آیه خداوند فرموده است که انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال آفریدیم، سپس وی را به سبب گناهان و نافرمانی‌هایش به پست‌ترین جایگاه نازل کردیم. لذا حرف ربط هم‌پایه‌ساز «ثم» در این آیه معنای توالی را در بردارد.

در جزء سی‌ام قرآن کریم در ساخت‌های بسیاری، از حرف ربط هم‌پایه‌ساز با معنای توالی استفاده شده است. این ساخت‌ها مضامینی همچون بیان حوادث قیامت، عناد مشرکان، نحوه آفرینش انسان و جهان و عاقبت نیکوکاران و خطاکاران را در بردارد. در این میان بیان نحوه‌ی آفرینش، سهم بیشتری در استفاده از حرف ربط هم‌پایه‌ساز بامعنای توالی به خود اختصاص داده است. خداوند سیر آفرینش را توسط حرف توالی، به صورت پی‌درپی بیان کرده و توسط ساخت‌های هم‌پایه مفاهیم را به صورت تأکیدی بیان فرموده است.

۲-۳-۴-۲. تناوب

یکی از معانی حروف ربط هم‌پایه‌ساز، تناوب است؛ به معنای «یا»، «یا اینکه»، «گاهی...گاهی»؛ بدین معنا که دو یا چند مفهوم بامعنای «یا» از یکدیگر متمایز گشته و

بیان شده‌اند. در جزء سی‌ام قرآن کریم، در بین سازه‌ها، حدود ۵ ساخت هم‌پایه تناوب برقرار است:

* وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّي * أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى * (عبس: ۳-۴)

این آیه در پی دو آیه ابتدایی سوره (عَبَسَ وَ تَوَلَّى (۱) أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (۲)) به این معنا است که «آن شخص چهره در هم کشید و از آن شخص نابینا که نزدش آمده بود روی بگردانید. باینکه او خبر نداشت آیا مرد نابینا مردی صالح بود و با اعمال صالح ناشی از ایمان خود را پاکیزه کرده بود یا نه. شاید پاکیزه کرده بود و یا آمده تا با تذکر و اتعاضش به مواعظ رسول خدا (ص) بهره‌مند شود در نتیجه به تطهیر خود موفق گردد» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ۳۲۵). بنابراین حرف ربط هم‌پایه‌ساز «و» در این آیه معنای تناوب (یا ... یا) را دارد.

* فَكُ رَقَبَةٍ * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ * (بلد: ۱۶-۱۳)

این آیات بعد از آیه «وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ» (و تو چه می‌دانی که عقبه چیست؟) آمده است. معنای آیات این است که «انسان مورد بحث به هیچ عقبه‌ای قدم ننهاد، نه بنده‌ای آزاد کرد و نه در روز قحطی طعامی داد. نه به یتیمی خویشاوند و نه به مسکینی خاک‌نشین» (همان: ۴۹۱). بنابراین حرف ربط «و» در این آیات معنای تناوب دارد.

در جزء سی‌ام قرآن کریم، حرف ربط هم‌پایه‌ساز بامعنای تناوب در ساخت‌های اندکی استفاده شده و برای بیان مضامینی مانند باطل ساختن شبهه مشرکان، نزدیکی قیامت و ویژگی خطاکاران استفاده شده است و در هر یک از ۵ ساخت متفاوت هم‌پایه، موضوع متفاوتی را مطرح ساخته است.

۲-۳-۴-۳. افزایش

یکی از معانی حروف ربط هم‌پایه‌ساز در جزء سی‌ام قرآن کریم، افزایش است؛ به معنای «و»، «همچنین»، «نیز» و «هم». بدین معنا که سازه‌ها به دنبال یکدیگر بیان شده و کلام با همان معنا افزایش می‌یابد. در جزء سی‌ام قرآن کریم، حدود ۱۲۵ ساخت هم‌پایه، باسازه‌ی حرف ربط هم‌پایه‌ساز افزایشی بیان شده است:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿۱﴾ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿۲﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ﴿۳﴾ وَ تَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿۴﴾ وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿۵﴾﴾ (فجر: ۱۰-۶) در این آیات مبارکه خداوند طاغیانی را از عاد و ثمود و فرعون نام برده و آن‌ها را برای مخاطب یادآور می‌شود و با حرف ربط هم‌پایه‌ساز «وَ» آن‌ها را یکی پس از دیگری نام می‌برد.

﴿لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿۱﴾ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿۲﴾ وَ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدٌ ﴿۳﴾﴾ (بلد: ۳-۱) در این آیات مبارکه خداوند به شهر مکه، به پدری عظیم‌الشان (حضرت ابراهیم) و فرزند وی (حضرت اسماعیل) قسم یاد کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۴۸۵) و تمام قسم‌ها را با حرف ربط هم‌پایه‌ساز «وَ» بیان فرموده است. بنابراین حرف ربط «واو» در این آیات معنای افزایش دارد.

یکی از پرکاربردترین حروف ربط هم‌پایه‌ساز در جزء سی‌ام قرآن کریم، حرف ربط هم‌پایه‌ساز با معنای افزایش (تعدد) است که برای بیان مضامین مختلفی همچون انواع نعمات دنیوی، نحوه‌ی آفرینش، حوادث قیامت، نعمت‌های بهشتی و جهنمی، صفات خداوند، ویژگی‌های درست‌کاران و خطاکاران، سرنوشت درستکاران و خطاکاران، تحذیر از عاقبت مشرکان و قسم‌های پی‌درپی برای بیان یک موضوع استفاده شده است. از آن جا که یکی از موضوعات مورد تأکید در جزء سی‌ام قرآن کریم بیان حوادث قیامت و اثبات و تأکید بر آن است، حرف ربط هم‌پایه‌ساز با معنای افزایش بیشترین کاربرد را در این جزء از قرآن کریم دارا است. به‌گونه‌ای که حوادث متعدد در قالب چندسازه پشت سر هم بیان شده و ویژگی‌های متعدّد لحظه قیامت برشمرده می‌شود.

۲-۳-۴-۲. یکسانی

یکی دیگر از معانی حروف ربط هم‌پایه‌ساز، یکسانی است. بدین معنا که همه سازه‌ها دارای یک معنای یکسان و مترادف هستند و سبب ایجاد هم‌پایگی محتوایی می‌شوند. به این معنا که پیام واحدی را به مخاطب منتقل می‌کند و در موارد متعددی مصادیق یک پدیده یا موضوع را برمی‌شمارد. در حدود ۲۵ ساخت هم‌پایه از ساخت‌های هم‌پایه جزء سی‌ام قرآن کریم، معنای یکسانی را در بر دارند که به ذکر نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ* (فجر: ۱۷-۱۸) در این دو آیه، خداوند انسان‌های حریص را مخاطب قرار داده و به آنان می‌گوید: «شما نه یتیم را احترام می‌کنید و نه یکدیگر را به دادن صدقه بر مساکین تهیدست سفارش و تشویق می‌کنید و منشأ این رفتار تان مال دوستی است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۴۷۴). بنابراین حرف ربط «و» این دو آیه را که در توبیخ حریصان است به یکدیگر مربوط کرده و هم‌پایگی محتوایی را میان آن‌ها ایجاد نموده است.

وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا* (فجر: ۱۹-۲۰) در این دو آیه شریفه خداوند انسان‌های حریص را وصف می‌نماید که مال را بدون توجه به حلال یا حرام بودن آن می‌خورند و آن را بسیار دوست دارند. بنابراین حرف ربط «و» هر دو آیه را که به یک محتوا اشاره دارند هم‌پایه نموده و هر دو وصف انسان حریص را به یکدیگر مربوط کرده است. این دو آیه نیز یک ساخت هم‌پایه محتوایی را ایجاد نموده‌اند.

چنان‌که بیان شد، در میان ساخت‌های هم‌پایه موجود در جزء سی‌ام قرآن کریم، تعدادی از ساخت‌ها هم‌پایگی محتوایی دارند؛ بدین معنا که میان هر دوسازه، ترادف ترکیبی وجود دارد و هر دو جمله به یک محتوا اشاره می‌کنند. در این جزء از قرآن کریم حرف ربط هم‌پایه‌ساز بامعنای یکسانی در مفاهیمی همچون بیان ویژگی کافران، عاقبت خطاکاران، شمارش نعمات و عذاب قیامت بیان شده است. اما بیشترین استفاده از حروف ربط هم‌پایه‌ساز بامعنای یکسانی برای معرفی ویژگی کافران و حریصان بوده و در قالب جملات هم‌پایه دوسازه بیان شده است.

۲-۳-۴-۵. مسبب

یکی دیگر از معانی حروف ربط هم‌پایه‌ساز در جزء سی‌ام قرآن کریم، مسبب است. بدین معنا که سازه دوم معلول و مسبب سازه اول است. در حدود ۲۰ ساخت هم‌پایه از ساخت‌های هم‌پایه جزء سی‌ام قرآن کریم، دارای حرف ربط هم‌پایه‌ساز با معنای مسبب است. از جمله در: *فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ يَذِنبُهُمْ فُسَّوَاهَا* (شمس: ۱۴) در این آیه شریفه خداوند می‌فرماید به دلیل اینکه قوم ثمود، ناقه خداوند را ذبح کرده و

پیامبرش را تکذیب کردند، خداوند عذابی سخت بر آنان نازل فرموده و همه آن‌ها را با خاک یکسان کرد. بنابراین حرف ربط هم‌پایگی «ف» سازه‌های سبب و مسبب را به یکدیگر مربوط کرده است.

الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ * فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ * فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ * (فجر: ۱۱-۱۳) در این آیه شریفه بیان شده است که چون کافران و طاغیان در زمین فساد گسترده کردند، خداوند عذاب‌های پی‌درپی و گوناگون را بر آنان فروریخت. بنابراین حرف ربط هم‌پایگی «ف» برای بیان مسبب ذکر شده است.

حروف ربط هم‌پایه‌ساز بامعنای مسبب، در جزء سی‌ام قرآن کریم برای بیان مفاهیمی مانند نتیجه شرک مشرکان، عاقبت درستکاران، نتیجه اعطای نعمت به نیکوکاران و خطاکاران و حوادث متعاقب قیامت به کار برده شده است. بیشتر حروف ربط هم‌پایه‌ساز با معنای مسبب برای بیان عاقبت نیکوکاران و خطاکاران در قالب جملات هم‌پایه دوسازه‌ای بیان شده است.

۲-۳-۴-۶. نفی

یکی دیگر از معانی حروف ربط هم‌پایه‌ساز، نفی است؛ به معنای «نه... نه»، بدین معنا که هر دوسازه یک مفهوم را نفی می‌کند. در جزء سی‌ام قرآن کریم، در حدود ۱۰ ساخت، حرف ربط هم‌پایه‌ساز معنای نفی را در بین سازه‌ها دارد:

* قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * (کافرون: ۵-۱)

در این آیات حرف ربط هم‌پایگی معنای نفی را بر عهده دارد (نه... و نه...؛ به این معنا که نه من خدای شما را می‌پرستم و نه شما آنچه را که من می‌پرستم می‌پرستید. علاوه بر نفی، حرف ربط هم‌پایه‌ساز «و» در این آیات دارای معنای تأکید نیز هست و خداوند به وسیله این حرف، یک مفهوم را در چند جمله بیان فرموده و آن را تکرار کرده است. در سازه‌های اول، دوم و چهارم، در پایان سازه‌ها از فعل مضارع و اسم فاعل استفاده شده است که «بر حال و استقبال دلالت دارد» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ۵۱۰)؛ اما در

سازه سوم از فعل ماضی استفاده شده است «تا بیانگر رسوخ آنان در عبادت بت‌ها در زمان‌های گذشته باشد و در آن رمزی وجود دارد و آن تنزه پیامبر اکرم (ص) از عبادت بت‌ها، در زمان‌های گذشته است (همان: ۵۱)؛ لذا تکرار یک مضمون واحد در این سوره «اعجاز است زیرا خداوند عبادت بت‌ها را در زمان گذشته، حال و آینده از پیامبر نفی فرموده و عبادت خداوند را نیز در هر سه زمان از کفار نفی فرموده است» (کرمانی، بی‌تا: ۲۱۵).

بیشتر حروف ربط هم‌پایه‌ساز با معنای نفی، در جزء سی‌ام قرآن کریم برای بیان مفاهیمی مانند عذاب‌های قیامت، صفات خداوند و تمایز دین پیامبر اسلام و مشرکان بیان شده است که در همه آن‌ها حروف ربط هم‌پایه‌ساز، به نوعی دربردارنده‌ی معنای تأکید است.

۲-۳-۴-۷. تضاد

یکی دیگر از معانی حروف ربط هم‌پایه‌ساز، تضاد است؛ بدین معنا که دوسازه یک مفهوم متضاد را در بردارد. حدود ۱۰ ساخت هم‌پایه از ساخت‌های هم‌پایه جزء سی‌ام قرآن کریم، حرف ربط هم‌پایه‌ساز معنای نفی را دارد:

﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ۖ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۖ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۖ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ﴾
(قارعه: ۹-۶)

این آیات اشاره دارد «به اینکه اعمال - هم مانند هر چیزی برای خود- وزن و ارزشی دارد و اینکه بعضی اعمال در ترازوی عمل سنج سنگین است و آن عملی است که نزد خدای تعالی قدر و منزلتی داشته باشد. مانند ایمان به خدا و انواع اطاعت‌ها، و بعضی دیگر این‌طور نیستند، مانند کفر و انواع نافرمانی‌ها و گناهان، که البته اثر هر یک از این دو نوع مختلف است، یکی سعادت را دنبال دارد، و آن اعمالی است که در ترازو سنگین باشد، و دیگری شقاوت را» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۹۶). برای بیان تقابل میان اعمال صالح و ناصالح، از تقابل استفاده شده است:

ثَقُلْتُ ≠ خَفَّتْ هُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ≠ أُمُّهُ هَاوِيَةٌ

بدین ترتیب خداوند انسان را به برگیری توشه و بهشت ترغیب کرده و از آتش دوزخ بر حذر می‌دارد.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ* وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ*﴾ (لیل: ۲-۱) خداوند در این آیات به شب هنگامی که فرو پوشد و به روز هنگامی که آشکار می‌شود، قسم یاد کرده است و به وسیله تقابل، نظم نظام آفرینش را یادآور شده است. در این ساخت هم‌پایه ترکیبی دوسازه‌ای میان دو واژه از سازه اول و دو واژه از سازه دوم توسط حرف ربط هم‌پایه‌ساز با معنای تضاد، تقابل است:

اللَّيْلِ ≠ النَّهَارِ يَغْشَىٰ ≠ تَجَلَّىٰ

استفاده از مفاهیم متضاد یکی از ویژگی‌های ساخت‌های هم‌پایه در این جزء از قرآن کریم است. این ویژگی سبک‌ساز قرآن کریم در بیان ساخت‌های هم‌پایه، برای نمایان ساختن تفاوت بین دنیا و آخرت، عمل صالح و عمل زشت، عاقبت نیکو و عاقبت شر، ویژگی‌های بهشت و جهنم و... است. «نقش طباق و تضاد در قرآن به زیبایی‌آفرینی محدود نمی‌شود، بلکه در تبیین برخی مفاهیم و آشکارتر نمودن بعضی معانی در پاره‌ای از عبارات قرآنی نیز تأثیر بسزایی دارد. این ویژگی متناسب با گونه متمایز و برجسته بلاغت در قرآن است که در آن آرایه‌های ادبی و عناصر زیبایی‌آفرین و زینت‌بخش سخن در همه یا اغلب موارد هماهنگ با شیوایی، روانی و سلاست کلام و در راستای تبیین معنا و تسهیل فهم آن برای مخاطب است» (حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۱).

۲-۳-۴-۸. تأکید

یکی دیگر از معانی حروف ربط هم‌پایه‌ساز، تأکید است. تعدادی از ساخت‌های هم‌پایه در جزء سی‌ام قرآن کریم توسط حروف ربط هم‌پایه‌ساز تکرار گشته‌اند و این تکرارها علاوه بر زیبایی کلام، سبب تأکید بر معنا، افزایش تفهیم مطالب و انداز و ترغیب بیشتر گشته و به نوعی بر بلاغت و نیکویی ساخت‌های هم‌پایه نیز افزوده است:

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ* ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ*﴾ (انفطار: ۱۸-۱۷) این دوسازه توسط حرف ربط هم‌پایه‌ساز با معنای تأکید به یکدیگر مربوط شده‌اند. این سخن بیانگر این واقعیت است که ابعاد حوادث هولناک قیامت آن‌قدر گسترده و عظیم است که با

هیچ بیانی قابل توصیف نیست، و همان‌گونه که ما زندانیان عالم خاک از نعمت‌های بی‌پایان بهشت به درستی آگاه نیستیم، از عذاب جهنم، و به طور کلی حوادث آن روز بزرگ نیز نمی‌توانیم آگاه شویم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۲۳۵). در این ساخت هم‌پایه، ساخت دوم تکرار ساخت اول است و این تکرار علاوه بر تأکید «برای تهویل» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳۰: ۱۶۳) و «تعظیم روز قیامت» (کرمانی، بی‌تا: ۲۰۲) است.

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ* ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ* (تکاثّر: ۳-۴) در این ساخت هم‌پایه نیز ساخت دوم تکرار ساخت اول است که توسط حرف ربط هم‌پایه‌ساز تأکیدی تکرار شده است. «جمعی از مفسران این دو آیه را تکرار و تأکید یک مطلب دانسته‌اند و هر دو به صورت سربسته از عذاب‌هایی که در انتظار این مستکبران متفاخر است خبر می‌دهد، در حالی که بعضی دیگر اولی را اشاره به عذاب قبر و برزخ دانسته‌اند که انسان بعد از مرگ، با آن روبه‌رو می‌شود و دومی را اشاره به عذاب قیامت» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۲۷۹) می‌دانند.

در ساخت‌های هم‌پایه فوق، سازه‌ی اول با حرف ربط هم‌پایه‌ساز ثم در سازه دوم تکرار شده است. در هر دو ساخت یک جمله تکرار شده و جمله‌های دوم علاوه بر تأکید «برای دلالت بر آن است که بیان دارد جمله دوم بلیغ‌تر است، همان‌گونه که فردی به بنده‌اش می‌گوید: أَقُول لَكَ ثُمَّ أَقُول لَكَ لَا تَفْعَل» (صافی، ۱۴۱۸ هـ ج ۳۰: ۳۹۷).

۳. نتیجه

• هم‌پایگی یکی از تمهیدات زبانی استفاده شده در جزء سی‌ام قرآن کریم است که به علت کاربرد فراوان، می‌توان آن را یکی از ویژگی‌های سبک‌ساز در جزء سی‌ام قرآن کریم به شمار آورد.

• در جزء سی‌ام قرآن کریم، هم ساخت‌های هم‌پایه‌ی آشکار و هم ناآشکار دیده می‌شود لکن ساخت‌های هم‌پایه ناآشکار در مقابل ساخت‌های هم‌پایه آشکار سهم بسیار اندکی دارند و از طریق معنا و آهنگ آن، می‌توان هم‌پایه بودن آن‌ها را تشخیص داد. اکثر قریب به اتفاق ساخت‌های هم‌پایه‌ی ناآشکار در جزء سی‌ام، به صورت سازه‌های پی‌درپی

است و بیان سازه‌ها بدون حروف ربط، نوعی تأکید و مترادف معنایی را در بین سازه‌ها ایجاد کرده است.

• در جزء سی‌ام قرآن کریم ساخت‌های تک حرف ربطی، دو حرف ربطی، سه حرف ربطی و ساخت‌های زنجیره‌ای نیز وجود دارد که در این میان، ساخت‌های تک حرف ربطی (نزدیک به ۱۱۰ مورد) بیشترین و ساخت‌های سه حرف ربطی (نزدیک به ۱۵ مورد) کمترین سهم را دارد.

• در جزء سی‌ام قرآن کریم هر سه نوع سازه؛ یعنی کلمه‌ای، گروهی و جمله‌واره‌ای وجود دارد که ساخت‌های جمله‌واره‌ای (حدود ۱۰۰ ساخت هم‌پایه) بیشترین و ساخت‌های گروهی (حدود ۲۰ ساخت هم‌پایه) کمترین سهم را در ساخت‌های هم‌پایه دارد. اکثر قریب به اتفاق مفاهیم بیان‌شده در جزء سی‌ام، در بیان تقابل دنیا و آخرت و سرنوشت انسان‌های خطاکار و درست‌کار است و ساخت‌های جمله‌واره‌ای بیش از دیگر ساخت‌ها، در بیان این مفاهیم به‌کار برده شده است.

• در جزء سی‌ام قرآن کریم از حروف ربط هم‌پایه‌ساز مختلفی مانند «و»، «ثم»، «أم»، «ف» و «أو» استفاده شده است که در این میان، حرف «و» بیشترین سهم (حدود ۲۱۰ مورد) و حرف ربط «أم» (تنها ۱ ساخت) کمترین سهم را دارد. این حروف ربط، معانی مختلفی دارند که در این میان، افزایش (حدود ۱۲۵ ساخت هم‌پایه) بیشترین و تناوب (حدود ۵ ساخت هم‌پایه) کمترین کاربرد را دارد.

یادداشت‌ها

۱- گروهی از کلمات، گروه‌ها و یا جمله‌واره‌ها که با ادات هم‌پایه‌ساز به یکدیگر متصل شده و گروه جدیدی را به وجود می‌آورند، یک ساخت نامیده شده و قسمت‌های هم‌پایه نیز، سازه نام دارند.

۲- S : ساخت (Structures)

CONJ: حرف ربط هم‌پایه ساز (conjunction)

منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌عاشور، محمد بن طاهر (بی‌تا)، *تفسیر التحریر و التنویر*، ط ۱، بیروت: موسسه تاریخ.
۲. البغدادی، أبو الفرج قدامة بن جعفر (۱۳۵۰ هـ)، *جواهر الألفاظ*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبد الحمید، ط ۱، مصر: مطبعة السعادة.
۳. حق‌شناس، محمدعلی (۱۳۷۰)، *مقالات (ادبی، زبان‌شناختی)*، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
۴. خوش‌باطن، ح (۱۳۸۵)، *مطالعه ساختار نحوی زبان ترکی از دیدگاه رده‌شناسی*، تبریز: سهیل.
۵. شعبانی، منصور و دیگران (۱۳۸۹)، «ساخت هم‌پایگی: با نگاهی به زبان فارسی»، *مجله ادب‌پژوهی: پاییز ۸۹*، شماره ۱۳، صص ۱۵۶-۱۳۱.
۶. صافی، محمود بن عبد الرحیم (۱۴۱۸ هـ)، *الجدول فی إعراب القرآن*، ط ۴۴، بیروت: دار الرشید مؤسسه الإیمان.
۷. صلیبا، جمیل (۱۹۸۲ م)، *المعجم الفلسفی بالألفاظ العربیة و الفرنسیة والإنکلیزیة واللاتینیة*، لبنان: دار الكتاب اللبنانی.
۸. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۷)، *ساخت زبان فارسی*، چ ۲، تهران: احیاء کتاب.
۱۰. فالک، جولیا (۱۳۷۲)، *زبان‌شناسی و زبان: بررسی مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی*، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، چ ۳، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. فتوحی، محمود (۱۳۹۲)، *سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)*، چ ۲، تهران: سخن.
۱۲. فرزانه، م، ع (۱۳۷۱)، *مبانی دستور زبان آذربایجانی*، تبریز: فرهنگ.
۱۳. فرشیدورد، خسرو (۱۳۴۴)، «پیوند در زبان فارسی (بررسی یک مبحث دستوری)»، *مجله ادبیات و زبان‌ها: تیر ۴۴*، شماره ۱۹، صص ۷۹-۷۲.
۱۴. _____ (۱۳۵۵)، «پژوهشی در نحو فارسی امروز: حروف و اقسام آن در زبان فارسی»، *مجله ادبیات و زبان‌ها: خرداد ۵۵*، شماره ۳۹، صص ۲۳۹-۲۳۵.
۱۵. _____ (۱۳۸۲)، *دستور مفصل امروز*، چ ۱، تهران: سخن.
۱۶. القیروانی، أبوعلی الحسن بن رشیق (۲۰۰۲ م)، *العمدة فی محاسن الشعر و آدابه و نقده*، التقدیم و الشرح: صلاح الدین الهواری، هدی عودة، الجزء الثانی، ط ۱، بیروت: دار و مكتبة الهلال.



۱۷. کنونی، محمد (۱۹۹۹م)، «التوازی و لغة الشعر»، مجلة فكر و نقد، السنة الثانية، العدد ۱۸.
۱۸. مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، ج ۲، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱، تهران: دار الکتب الإسلامية.

منابع لاتین

- Hartmann, K (2000) , **Right Node Raising and Gapping: Interface Conditionson Prosodic Deletion**, John Benjamins, Amsterdam, The Netherlands

منابع اینترنتی

۱. الجعیدی، محمود محمد سلیمان علی (بی‌تا)، **الجمال المتوازية فی دیوان أبی القاسم الشابی «دراسة نحویة دلالية»**، کلیة الآداب جامعة المنصورة. <http://www.angelfire.com/tx4>
۲. العسکری، أبوهلال (بی‌تا)، **الصناعتین، الكتابة و الشعر**. www.al-mostafa.info/books/disp
۳. کرمانی، محمود بن حمزة بن نصر (بی‌تا)، **أسرار التکرار فی القرآن**، www.al-mostafa.com

